



امام معیار کرامت

یکم:

خداوند انسان را آفرید و او را برتری بخشید و در سنجش با دیگر پدیده‌ها و موجودات در گستره هستی او را در جایگاهی بلند و مرتبتی عظیم قرار داد و قرآن کریم بدین سان از این مکانت عظیم سخن گفت: «و لقد کرّمنا بنی آدم؛ و به راستی ما فرزندان آدم را ارجمند داشتیم». خداوند انسان را ارجمند داشته، به خرد رهنما و اندیشه جهت‌گزين و تفکر والای باز نمای سره از ناسره.

او را کرامت بخشیده، به قامت موزون، سلطه بهره گیرانه او از تمامت هستی و تصرف آگاهانه او بر نعمت‌ها و دهش‌های الهی ... او را برتر داشته، به راهیابی او به نیروی خرد و بهره‌وری از رهنمودهای اجرایی الهی و بازشناسی حق از باطل و رهیدن از تنگناها در زندگی و گزیدن کشتی نجات و استوار گشتن بر امواج و جستن از هنگامه‌های دشوار غرقاب و رسیدن به ساحل نجات و ... انسان گرامی شده است با داشتن روحی لطیف، عاطفه‌ای مهرورزانه، جانی مشتعل و روانی ناب و ...

اینها و جز اینها را باید موارد و مصادیقی تلقی کرد که مفسران در تفسیر این آیت الهی رقم زده‌اند (المیزان، ج ۱۳/ ۱۵؛ فی ظلال القرآن، ج ۴؛ التحریر و التنویر، ج ۸ (ج ۱۵) ۱۲۴ به بعد؛ نمونه، ج ۱۲/ ۱۹۷ به بعد؛ تفسیر رهنما، ج ۱۰/ ۱۸۸، ...)

و گرنه گرامی‌داشت انسان و تکریم آدم بر آنچه بر بیسط زمین و گستره هستی و دراز نای زمان شکل گرفته است، فراتر از این همه و آن همه است؛ و نیز بر آنچه یاد شد، باید افزود اختیار و گزینش‌گری انسان و بر این پایه تأکید آموزه‌های الهی بر اینکه این مدال افتخار، انسان را از آنچه در اساس رقم خورده است، برتر خواهد آورد و به جایگاهی والاتر از آنچه در بنیاد آفرینش او رقم خورده است، تواند رساند که: «ان اکرمکم عندالله اتقکم ...».

بر پایه این آموزه الهی پس از به فرجام نشستن «فاعلیت الهی در فعل اکرام و افضال»، این انسان است که قابلیت خود را در پذیرش و چندی و چونی آن رقم می‌زند، و هر چه تقوای الهی را فراتر می‌آورد، کرامت و منزلت بیشتر او می‌گیرد؛ چرا که انسان بیشترین زمینه‌ها،

امکانات، خلاقیت‌ها، ابتکارها و روش‌ها را در رسیدن به اوج کرامت و قلّه‌های شرف و رادی در اختیار دارد که چون بدان توجه کند و از آن به درستی بهره‌گیرد، «رسد به جایگاه و مکانتی که به جز خدا نبیند». لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ... (ر. ک: «آوردگاه طف، در آینه قرآن»، آینده پژوهش، شماره ۷۸-۷۷، ص ۸۲ و اکنون در «آفاق تفسیر» مقاله یاد شده). بر این همه باید افزود سخن بلند خداوند جلّ و علا و تبارک و تعالی شأنه به هنگام آفرینش انسانی که فرمود: «فتبارک الله احسن الخالقین».

و این آفرینش بی‌بدیل و «صنع فاخر» و خلقت ستایش برانگیز را ستود و با این ستایش جایگاه بس والایی بر انسان رقم زد. این همه اندکی است از آنچه از آموزه‌های الهی-قرآنی و نبوی و ولوی-در کرامت انسان و جایگاه ویژه و مکانت بی‌بدیل او در آفرینش آمده است. انسان در نگاه این آموزه‌ها، بس بزرگ، ارجمند، عزیز و فرازمند است، و بدین سان نادیده انگاشتن این جایگاه، شکستن عزت انسان و ضربه پذیر ساختن کرامت او و بی‌توجهی به عظمت و جلالت او-که خلیفه الهی اوست و مالاً-ناپذیرفتنی. و چنین است که رسول‌الله(ص) در آخرین پیام و خطابه بلند و ارجمند و هدایتگر و روشنی‌بخش و سپیدی آفرینش، «بر کبر و نخوت و کبریایی جاهلانه خط بطلان کشید و بر حرمت انسان و کرامت او و حفظ آبرو و حیثیت او و حراست از شأن انسانی او تأکید ورزید».

اکنون و در این مقام، مجال گستراندن سخن نیست تا اندکی از نصوص بسیار و روایات و نقل‌های فراوان و آموزه‌های ارجمند اسلامی و حقایق آفتابگون نبوی و ولوی را درباره انسان و عظمت و ارج او بازگویم، اما از تأکید بر این نکته نمی‌توانیم تن بزنیم که اسلام دینی است انسانی، و آموزه‌های آن یکسر در برکشیدن انسان و ارج نهادن به او و عظمت بخشیدن به شخصیت او و تأکید بر حراست از آبروی اوست و این تعالیم در جهت حفظ حیثیت و مکانت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان بی‌نظیر است.

دوم:

اگر حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) را در روزگار معاصر مهم‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین و استوار گام‌ترین مصلح در جهت برکشیدن انسان و هویت بخشیدن به او و هوشمندترین مصلحان در جهت مبارزه با خودباختگی و وارفتگی انسان بدانیم که فریاد بیداری و هوشیاری و بازیابی جایگاه والای لگدمال شده بشریت، و «عزت مغضوب» و «حرمت و شخصیت مصلوب» انسان را فراز آورده است، یقیناً گزافه نگفته ایم.

حضرت امام(ره) از همان آغازین روزهای حرکت و فریاد علیه

ما، یکی بعد از دیگری را کنار می گذارند! الآن در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطن خواه باشند، چیزی نیست. در دست آنها چیزی نیست. ارتش هم بدانند، یکی تان را بعد از دیگری کنار می گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشید ما مقدم است؟! اگر من بودم استعفا می کردم. اگر من نظامی بودم، استعفا می کردم؛ من این ننگ را قبول نمی کردم. اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می کردم... (فیض امام خمینی، ج ۱، ص ۱۰۳۴-۱۰۳۷).

این همه برخاسته از قلبی بیدار، تفکری بلند، اندیشه ای سرشار از حقایق والای الهی و روحی آکنده از عزت مداری است. بدین سان امام بزرگ ترین پرچمداری آزادی، کرامت، عزت انسان و حرارت از جایگاه والای «خلیفه الهی» او و پرشورترین فریادگر علیه «عزت مصلوب» و «کرامت مغضوب» انسان است در این روزگار. راستی را این سخنرانی و همگنان آن، از اسناد شکوهمند و هیجان بار اسلام، روحانیت و نشانگر اوج تعالی تفکر دینی و اندیشه روحانی و بیانگر ایستادن آن عزیز از دست رفته - بر قلّه کرامت، آزادی، هوشمندی، رادی و فضیلت است.

سوم:

اکنون در آستانه هجدهمین سال پرواز آن روح منور و جان مطهر به سوی «مینوی» و ملکوت شیفتگان اندیشه امام، و علاقه مندان به آموزه های والا، سپیدی آفرین و عزت آفرین آن پیشوای برنادر - که رضوان الهی جایگاهش باد - آهنگ آن کرده اند که با تشکیل مجمعی فاخر با عنوان «همایش امام خمینی و قلمرو دین با موضوع کرامت انسان» و فراخوانی از فرهیختگانی از «قبیله قلم» اندیشه های آن بزرگوار و آموزه های اسلام عزیز را درباره انسان و کرامت او برنمایانند. ، بانیان آینه پژوهش - که بی گمان چونان بسیاری از کسانی که به واقع صادق روزگاران و چه و چه های آن آگاهند؛ خود را در قلمی که می زنند و سخنی که می گویند و حقایقی که بر بنان و بیان جاری می سازند، و امدار آن بزرگمرد بی بدیل تاریخ معاصر و حرکت الهی و انقلابی عظیمش می دانند، و کرامت به دست آمده این امت را فرایند فریادهایی شکوهمند و آموزه های عزت آفرین آن پیشوای الهی تلقی می کنند - سزایماند چنان دانستند که شماره ای را ویژه موضوع یاد شده کنند و مجموعه ای را بدان محفل فخیم ارمغان آورند. دوست، همکار و همراه و همدل عزیزم حضرت دکتر کاظم قاضی زاده را سپاس می گویم که با دعوت از بانیان مجله و نیز یاری های بی دریغ برای تدوین این مجموعه ما را رهین همکاری و به حضور در این حرکت ارجمند و فرهنگی مفتخر کردند.

و اکنون و پیشتر از آن که خامه بر زمین نهم، از خداوند توفیق فهم آموزه های قرآن و اسلام و امام عزیز را در آنچه یاد شد، بخواهیم و پس از فهم بر همگان توفیق تحقق عینی و متبلور ساختن آن همه را در صفحه ذهن و صحنه زندگی از خداوند کارساز بنده نواز طلب کنیم. انه قریب مجیب.

والله من وراء القصد
آینه پژوهش

ستم و جباریت زمان بر شأن انسان و حفظ حرمت و حرارت از کرامت او تأکید کرد و هجوم علیه کرامت انسان و یورش بر شکستن عظمت او را از سوی حاکمیت مزدور روزگار برنناید و فریاد برآورد و همگان را به قیام علیه جباریت روزگار و رها شدن از ستم و زورگویی فراخواند، و بر این نکته تأکید ورزید که حماسه شرر افکن روحانیت و مردم علیه اسارت، بی بند و باری، شکسته شدن و حرمت انسان و حفظ و حرارت از استقلال، آزادی و کرامت انسان است. سخنرانی های شکوهمند و عظیم امام در آن روزگاران سیاه و خفقان زده سرشار است از آنچه آمد، و پس از آن نیز همواره تا واپسین روزهای حیات آن «انسان بزرگ» و فریادگر آزادی، عزت، کرامت و حرمت انسان، توجه به انسان و حرمت و عزت او، از جمله سرفصل های روشن و افتخار آفرین آموزه های آن پیشوای بی بدیل است. اکنون سزایماند است بخش هایی از سخنرانی تاریخی و شور آفرین و حماسه ساز امام را در مخالفت با «کاپیتولاسیون» و رسواسازی طرح های اسارت بار علیه امت اسلامی را بیاوریم که یاد آور فریادهای پیشوایان الهی در جهت آزادی انسان و جباریت های روزگاران است در گذرگاه تاریخ:

من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام، خوابم کم شده است [گریه حضار]. ناراحت هستم [گریه حضار]. قلبم در فشار است [گریه حضار]. با تأثرات قلبی روزشماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حضار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حضار]. عید ایران را عزا کرده اند [گریه حضار]؛ عزا کردند و چراغانی کردند [گریه حضار]؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند [گریه حضار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی ها را منع می کردم؛ می گفتم بیریق سیاه بالای سر بازارها بنزید [گریه حضار]؛ بالای سر خانه ها بنزید؛ چادر سیاه بالا ببرند، عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند...

آقا، من اعلام خطر می کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می کنم! خطر دار است. معلوم می شود زیر پرده ها چیزهایی است و ما نمی دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده ها بالا برود! معلوم می شود برای ما خواب ها دیده اند! از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی دانم، از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می آورد؟ این ملت فقیر [پس از ده سال، هشتصد میلیون تومان نفع پول به امریکا بدهد؛ در عین حال ما را بفروشد برای یک همچون کاری؟! ...

رجال سیاسی ما، صاحب منصب های بزرگ ما، رجال سیاسی